



از امام جعفر صادق . منقول است که :

تقیه . اساس اسلام است و کسانی که

تقیه $\cdot \nu^{00000} \epsilon^{-} \pm Z^{\circ} \rightarrow 00000 \epsilon^{-} ! \nu d^{000} \epsilon \Delta^3$



حضرت امام خمینی نیز در تایید سخنان ششمین امام شیعیان، آورده است که: اصول اسلام . بر پایه

تقیه $\pm Z^{\circ} \rightarrow \epsilon^{-} Yyu^{\circ} sv^3 Y^{\circ} d \Delta^{-3/4} \epsilon \xi^1 b \cdot Yy Y^{\circ} d \cdot Y$

بداند و از جامعه ی مسلمانان دفاع کند که اهل تقیه باشد .



اکنون، در کتاب فرهنگ واژه ها، مرور میکنیم تا بدانیم « تقیه » چیست و چه معنایی دارد ؟ تقیه: خود داری، از گفتن

خواسته درونی و دین و مردم فریبی (تظاهر) نمودن برخلاف باورهای دینی خویش و خود را، هم دین و مذهب دیگران نشان دادن، برای پاسداری (حفظ) مال شخصی . شاید - تا این دم که کلک (قلم) بر روی کاغذ گذاشته میشود، مورد و نوشته ای، در باره فواید یا زیانهای واژه تقیه، از زوایای گوناگون درهمزیستگاه (اجتماع)، بررسی و پژوهشی نشده باشد و چنانچه کارشناسان زبده رویداد پیچیده - همبودگاه (جامعه) و رواتکاوای و کارشناسان برگزیده، به امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دینی، همراه متفکران و توانمندان اندیشه و اهل گفتار ایرانی، داخل وخارج کشور، گرد هم آیند و با درایشی (اثری)، بدور از هرگونه پافشاری بیخردانه (تعصب)، برتری بیجا (تبعیض) به آماده کردن نگاشته ای، علمی و فرنود سزاوار درج در نشریه ارزشمند فارسی زبان، برون مرزی بپردازند و ما تمامی جامعه ی ایرانیان را راهنمایی کنند که: به راستی،

تقیه چیست و فرجام و نشانه اش (آثارش) در خرد و اندیشه انسان ریشه میدواند و چسان در تمامیت رسته و فراز جامعه، نشانه میگردد و در جامعه ای که ۹۰ درصد (صد) آن، از باور های دین اسلام و مذهب **تشیع** برخوردارند . روشن و آشکار کنند که

چگونه اساس «**دورویی**» و نداشتن درستی و راستی فکری را، از زمان بچگی تا هنگام بزرگسالی و آمدن به درون همبودگاه (جامعه)،

در تارهای درونی انسان، آنچنان تنیده و بنا می نهد و شکل میگیرد، که هر انسان **مسلمان تقیه** آموخته، پایه زندگی و سرآغاز تغییرات را، از رکن نخست توده مردم (جامعه)، یعنی، از درون خانواده، تا در میان پیرامون هر نوع کار و پیشه و فن و شغل و شایستگی که در هم زیستگاه (اجتماع) دارد جایگزینی می کند، : چگونه انسانی است ؟ به گوشدن، از هم باز کردن بزرگترین بفرنج و دشواری سرشت و نهادی که دست کم ۱۴ سده، در سر راه بنیاد و آیینهای راستی و درستی، در همبودگاه ها (جوامع)، خانوادگی و منش خویش (خصوصی)، آموزشی و همگانی، اداری و توده ی کشور ایران، جای دارد، بدست خواهد آمد و بی چون و چرا چنین بزرگووانی، در رویه های (صفحات) تاریخ و فرهنگ ایران جای ویژه ای خواهند داشت .

به گمان من، در دوران کنونی و زمان پهنه ی آسمان (فضا) و تکنولژی - دانش و فرنود (منطق)، کدیور (صاحب) نخستین سخن خواهند بو و هستند و سخن آغازین را آنان میزنند و بشر امروزی، چنانچه گفتارها و چیست ها، دارای سرمایه دانش و لباس خرد و فرنود نباشند، خود بخود کنارگذاشته و به سایه میروند . بنا براین، بشر با افزازارمند شدن به دانش و خرد، در آغاز رسیدن به زمان راستسها و دشواری ها است و دیگر، همانگونه که میبایست، دادهای روایت دینی و مذهبی را کالبد شکافی کرد و به چمها (معانی) موارد پرتوافکن شده (منعکس) در درون آنان، پی برد که :

چگونه گفته (منقول) است، اگر کسی **تقیه** نکند، **مسلمان** نیست ؟ بی شک و تردید، نمیتوان دورنما (معنا) و مفهوم بستگی های فرهنگی را، در آشکار کردن و بیان مفهوم های گفتار (نقل) این گونه دادها، روایت های دینی و مذهبی نادیده گرفت، و پس از درک ژرف آنان، به چاره جویی نپرداخت ؟ از اینرو « **تقیه** » بدین مفهوم،

نگفتن باورهای دینی ، بدینسو، خود را هم دین و مذهب دیگرانی نشان دادن که باور به مذهب نیستند یا خواستار مذهب ما نیستند، بدین مفهوم ، نگفتن درستی و راستی امر،

بدین شکل زمانیکه من باور کننده به دین و مذهب شیعه ، هر هنگام و هر پیش آمدی که خلاف باور دینی من است، پیش آید، باید باهمان پدیده های دینی و مذهبی ، هم رنگ شوم و خود را پیرو همان دین و مذهب کنم . بدین شکل، اگر رویدادی (اوضاعی) مسیحی و یهودی، بودایی، آسوری ، و حتا، بی دینی و بهائی و یا شیطان پرستی ، پیش آمد،

منهم بیدرنگ هم کیش آنان شوم و هر بد و بیراه را که آنان در باره رد دین اسلام و تشیع، بر زبان آرند، برای خوش آمد آنان با ایشان هم کلام و هم سخن گردم .

بدین رو، گذشته از اینکه در زمان کنونی ، بدست میآوریم، بدین شکل، زمانیکه میگوییم : فلانی چرا، تا این اندازه رنگ تغییر می دهد، و یا در زبان روزانه « تند و تیز » ، فلانی را هفت رنگ، بنام میآوریم، ریشه بارز آن، در فرم تربیت کردن تارهای خردگیری و ناشی از چنین شکل فکری است ، ... اینجا است که کارشناسان زیرک و زبده و ورزیده روانشناسی و کارشناسان کارآموزیده ی همزیستگاهی (جامعه شناسی)، مالی، دینی، مذهبی، ناگزیرند، برای راهنمایی دانش و فرمود (علمی و منطقی)، بما بگویند :

چنین انسانهایی که با رخنه چنین روایات و احکام دینی و مذهب، هوش، خرد و روانشان را از کودکی تا دوران جوانی و ... اینگونه در دیوار چاپلوسی و چرب زبانی و نا پایداری منش (اخلاق) جای گرفته و سلولهای خردی (ذهنی) و روانشان را از دوران کودکی تا جوانی و پیری، فراگیری به ناراستی، دروغ و چند رنگی تربیت شده و این روان چند رنگی را آموخته ، دگر چگونه توانایی آنرا دارد، که در همبودگاه (جامعه) انسانهای راستین و یک رنگ و یک نوا، با دلی (قلبی) پر از مهر و وفا، با دگران هم راستا باشد؟

آنان که **تقیه** شده میباشند، چگونه میتوانند، مادران، پدران، خواهران، برادران، **راستگویی** برای **میهن** و خانواده و فامیل خود باشند؟؟؟

از دیو و دد ملولم و آن ایرانم آرزوست !

